

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۱۱۵ رده بندی کنفرانس: الف ۲۴/۳۷۷

بررسی تحلیلی آیین سوگوار در فرهنگ عامه بر اساس

قصه محلی «خاله سوسکه» در کرمانشاه

آغاماه حیدری^۱

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

زهره حیدری

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

واژه «فرهنگ» کاربردی کهن در ایران باستان به ویژه در زبان پهلوی داشته است. اگر چه فرهنگ همواره و در همه ادوار عامل مؤثر و قدرتمندی در عرصه جهانی بوده است، اما میزان این قدرتمندی و تأثیرگذاری امروزه به قدری است که تعیین کننده روابط میان ملت‌هاست. فرهنگ عامه به عنوان بارزترین و پایدارترین جلوه گاه باورهای آدمی در روزگار کهن شناخته شده است و به دانستنی‌ها، رفتارها، آیین‌ها و باورهایی اطلاق می‌شود که بین توده مردم بدون در نظر گرفتن فایده‌های علمی و منطقی آن، نسل به نسل به صورت تجربه‌های زندگی مانند: شیوه‌های سوگواری، لباس پوشیدن، غذا خوردن و مراسم جشن و عروسی به جا مانده است. ادبیات عامه چون متعلق به مردم عوام است از این رو می‌توان گفت که با واقعیت‌های زندگی عادی مردم پیوند دارد. در واقع بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه کار و تولیدات آنها و نشان‌دهنده رفتار، منش، اندیشه، احساس، مذهب، اخلاق و قصه‌هاست که ابزار مناسبی برای مطالعه در جوامع پیشین است همین ادبیات موجب استحکام رفتارهای اجتماعی می‌شود و اصول اخلاقی و مذهبی را استحکام می‌بخشد.

^۱نویسنده مسئول

کرمانشاه که مهد تمدن کهن است دارای اصالت و قدمت چند هزار ساله، ریشه و بُن‌مایهٔ فرهنگی است، به طوری که می‌توان آن را خاستگاه باورها و سنن کهن دانست، تبلور این فرهنگ در مراسم سوگواری به خوبی نمایان است. پژوهندگان در این مقاله نسبت به قصه‌های عامیانه و ماهیت آن وقوفی دیگر خواهند یافت و جلوه‌های گوناگون آن را در زندگی مادی و معنوی شهر کرمانشاه معرفی می‌کنند و سپس به روش تحلیلی، توصیفی مشخصه‌های فرهنگی و سوگواری در آن مورد بررسی قرار گرفته است خواهند پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که این آداب و فرهنگ کهن از مؤثرترین ابزار برای رصد تفکرات مردم این دیار در روزگار کهن است و بازتاب‌های فرهنگی را به وضوح در این قصه مشاهده و مورد بررسی قرار داده شده‌است شیوه‌های سوگواری از جمله «گیسو بریدن»، «آب در تنور کردن»، «گل بر سرگرفتن»، «ریش نتراشیدن مردان» «دوار(جاجم مشکی) بر گردن آویختن» و.... از جمله عناصر مادی و معنوی هستند که مورد پژوهش قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: فرهنگ عامه، سوگواری، کرمانشاه، قصه، خاله سوسکه

بخش اول: مقدمه

همانگونه که واقفیم امروزه از سوی جوامع پیشرفته به فرهنگ عامه توجه ویژه‌ای شده‌است و نیاز مند طرح و بررسی نمودهای این فرهنگ در جهان امروزی که به شدت اسیر تکنولوژی است احساس می‌شود و همه‌ی مسؤولان و دست‌اندرکاران دریافته‌اند که فرهنگ عامه ایران، سرشار از بارهای غنی فرهنگی می‌باشد و بسیار قابل اهمیت است. فولکلور سرزمین ما و ریشه‌های فولکلور در ادبیات کهن ایران، ویژگی‌های ترانه‌های عامیانه ایران، زبان زرگری، شاهنامه و فولکلور، چهارشنبه سوری، جلوه‌هایی از آن در گوشه و کنار ایران فرهنگ عامه ما را تشکیل می‌دهد. ما باید تلاش کنیم نظریه‌ی پست مدرنیسم بر تفسیر ما از فرهنگ و زندگی روزمره در جامعه معاصر تأثیر نگذارد. باید گریزی بیابیم که با چه رهیافتی در صدد ارزیابی دوباره اهمیت و احیای معنای اجتماعی فرهنگ عامه و فولکلور برآییم و کنشگری‌های اجتماعی را از صحنه خارج کنیم و بازتاب فرهنگ اصیلمان را در افکارمان و ایده‌هایمان نظاره گر باشیم و با ترسیم تعاملی پویا و کاربرد خلاقانه‌ی رسانه‌ها و ابزار پرکاربرد روز هویت و اصالت

فرهنگمان را بازباییم و همچنین نگذاریم رسانه‌ها به سهولت موجب پیدایش شکل جدید ارتباطات فرامحلی و فرامرزی را در بین جامعه ما شود و از این بیشتر فرهنگ عامه کم رنگ تر نشود. شعرها و ترانه‌های عامیانه از دل شاعران گمنامی تراوش کرده که هیچ وقت ادای شاعری نداشته‌اند. و این اشعار آینه‌ی روح و اندیشه ملت هاست و احساسات پاک و صمیمی آن ملت است بیشتر قصه‌های شفاهی از ذهن شاعران گمنام برخاسته است و از مهمترین شاخص این داستانها این است که مابین اسن داستانها شعرهای کوتاهی آمده است زیرا دانسته‌اند که شعر پیام قوی و رساتری و مستحکم‌تری دارد.

از بارزترین مشخصه‌های ادبیات عامه می‌توان زبان ساده، لحن عامیانه، الفاظ محلی، اعتقادات و رسوم سنتی را نام برد. «فولکلور، فرهنگ و دانش عوام متشکل از آداب و رسوم و عقاید و عادات، قصه‌ها و افسانه‌ها مثل‌ها و ترانه‌ها و اشعار عامیانه می‌باشد» (میرپناه: ۱۳۹۶: ۱۳۰) در فرهنگ کرمانشاه مثل‌های وافری یافت می‌شود که در زبان فارسی وجود ندارد و از ذخایر معنوی این فرهنگ به شمار می‌روند.

کرمانشاه از کهن‌ترین مناطق کشور بوده قدمت چندین هزار ساله دارد و می‌توان گفت از نخستین زیست‌گاههای بشری بوده‌است. غارهایی که در کرمانشاه موجود است می‌تواند گواه این ادعا باشد که یکی از اولین مناطقی بوده که در آن انسانها از غارنشینی به یکجا نشینی روی آورده‌اند و در آن ساکن شده و موجب پیدایش روستاها شده‌اند. در دوره‌های هخامنشی، سلوکی، اشکانی کرمانشاه یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری و بازرگانی محسوب می‌شده‌است. در دوره‌های اسلامی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است. این ادله‌ی موثقی است که بر قدمت فرهنگ کرمانشاه صحه می‌گذارد.

پژوهش‌ها و یافته‌های گسترده‌ای در باب ادبیات عامه صورت گرفته و هر پژوهشگری به تفصیل شرح و تفسیر ابن مقال را داده‌اند اما در این مقاله نگارنده ادبیات عامه را بر اساس یک قصه محلی شفاهی مورد پژوهش قرار داده و مشخصه‌های جدیدی را مورد بررسی قرار اده‌است.

بخش دوم: فرهنگ و خرده فرهنگ ها

فرهنگ از مصدر «فره‌یختن» به معنی علم و ادب آموختن است. به همین علت در نام بعضی از وزارتخانه‌ها از این واژه استفاده می‌شود. اما متأسفانه مانند اکثر واژگان کهن فارسی دستخوش تحول

معنایی گشته است. مدتی این واژه به دست فراموشی سپرده شده بود ولی با تأسیس فرهنگستان دوباره این واژه احیا شد. طبق اطلاعات مکتوبی که در دسترس است اداره آموزش و پرورش را اداره فرهنگ می گفتند که خود واژه «فرهنگ» به معنای آموزش و پرورش است ولی در روزگار امروز معنای دیگری را به مخاطب القا می کند از جمله: تمدن، هنر، دین، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و توانایی هایی که انسان در زندگی از تعاملات روزمره کسب می کند. «فرهنگ آن معانی مشترکی است که عامه مردم ایجاد می کنند و در زندگی روزمره با آنها سروکار دارند در نتیجه فرهنگ عامه یکی از مسایل کانونی مورد توجه در مطالعات فرهنگی است.» (پاینده: ۱۳۹۷: ۷۰) در هر جامعه ای یک ادبیات شفاهی نانوشته یافت می شود که فرهنگ آن مردم را تشکیل می دهد ادبیات عامه پیش از آنکه در مکتوبات یافت شود در سینه مردم عامی وجود داشته است و در زبان و قلب توده مردم حکایت ها، مثل ها، ترانه ها و موارد اخلاقی، روانی، اجتماعی و سیاسی زندگی پیشینیان ما را بیان می کند. در حقیقت ادبیات عامه حاصل و بازتاب ذهن جمعی از افراد خلاق جامعه صورت گرفته که به منظور تداوم نحوه زندگی آن را بیان کرده اند. اغلب این ادبیات به صورت شفاهی در میان جوامع دست به دست می شود و گاهی قصه های مکتوبی از جوامع دیگر نیز به آن راه می یابد ولی قصه های ایرانی را می توان کهن ترین نمونه های اصیل حاصل تفکر و تخیل مردم این مرز و بوم دانست. «زندگی روزمره از جمله کلیدی ترین مفاهیم در مطالعات فرهنگ عامه است فرهنگ عامه فرهنگ زندگی روزمره، مرور جامعی از مدل های نظری، مسایل و پیچیدگی های فعالیت های فرهنگی معاصر به دست می دهد. فرهنگ امروزه ما شکل یافته از رسانه ها، مد، موسیقی، گردشگری و پادفرهنگ ها می باشد.» (چاوشیان: ۱۳۸۶: ۹۴) مردمان ایران زمین از دیر باز پندارها، باورها، افکار، آرزوها و تجارب خود را در قالب قصه در آورده اند و آن را چون گوهری کمیاب به مرور زمان تراش و صیقل داده اند و بر سطوح آن نقش و نگارها زده اند و سرانجام آن را با عنوان قصه ی تحسین برانگیز در میان خلق انتشار داده اند قصه های ایرانی نشان دهنده ی کیفیت و مباحث ذهنی و شادی و اندوه این مردمان است فرهنگ عزا و شادی و مراسم و اعیاد را می توان در لابه لای این قصه ها یافت.

«مردم شناسی از جمله علوم اجتماعی است و علم مطالعه ی زندگی انسان در مراحل ابتدایی تعریف شده است و جنبه های گوناگون انسان شناسی و فرهنگ شناسی مورد توجه قرار می دهد.» (سالاری ۱۳۹۷:

۶۸) با تعمق در آثار گشتگان از جمله فرهنگ عامه می‌توان ریسمانی قابل اعتماد برای رسیدن به آداب و رسوم و گونه‌های مختلف نژادها و اقوام مختلف باشد.

بخش سوم: بیان یک قصه محلی

روزی خاله سوسکه از پوست پیاز لباسهای زیبایی برای خودش درست کرد و پوشید و به بیرون از خانه رفت در راه آقا موشه او را دید و گفت: خاله سوسکه کجا میری؟ خاله سوسکه که به تریش قباش بر خورده بود گفت: زهر مار بی ادب این چه طرز حرف زدن. موشه گفت پس چطوری بگم؟ خاله گفت: بگو نازی نامرجان با این لباس زیبا و این همه کبکبه و دبدبه کجا میری؟ آقا موشه بیچاره هم این الفاظ را تکرار کرد اون موقع خاله با ناز و ادا گفت: با های و هوی بهشاره زور می‌روم و دنبال شوهر می‌گردم. آقا موشه هم از اون خواستگاری کرد و خاله هم با کمی ناز و ادا پذیرفت. آقا موشه با خوشحالی خاله رو به خانه خودش دعوت کرد و با شادی یک پوست گردو را پر از آب کرد و بالای اجاق گذاشت تا حمام کنه باتمام شور و حال دور دیگ می چرخید و شادی می کرد که یکدفعه افتاد روی دیگ و سوخت خاله سوسکه هم از غم داماد جوانمرگ هر دو گیسوی خود را برید و استخوانهاش رو جمع کرد رفت که بریز روی خاکروبهای بیرون خانه. یک دفعه خاکروب گفت: خاله جان گیسوانت رو چرا بریدی؟ خاله گفت : خبر نداری؟ خاکروب گفت: نه خاله گفت: آقا موشه من افتاده توی دیگ . نازی ناز مرجان گیسو بریده. خاکروب تکانی به خودش داد و یکباره آتش گرفت در همین حین کلاغی گذارش به آنجا رسید و گفت خاکروب چرا آتش گرفتی؟ خاکروب گفت : مگه خبر نداری؟ آقا موشه جان.....خاکروب سوخته. کلاغ هم از داغ آقا موشه این قدر خودش رو به دار و درخت کوبید تا تمام پرهاش ریخت. در این حین کلاغه تشنه شد رفت کنار چشمه آب بخوره چشمه وقتی دید کلاغ پرهاش ریخته گفت کلاغ سیاه چرا پرهاش ریخته؟ کلاغ گفت: خبر نداری: آقا موشه.....کلاغ پر ریخته. آب هم از داغ موش جوانمرگ اونقدر خودش را به صخره ها کوبید تا گل آلود شد. یه بابای باغبانی بود که به قصد آبیاری باغش آمد توی مزارع رفت کنار چشمه تا باغش را آب بده دید که چشمه گالوده پرسید چشمه چرا گل آلودی؟ چشمه گفت مگه خبر نداری؟ آقا موشه.....چشمه گل آلود. پیرمرد هم از داغ آقا موشه بیلش را شکست و چند تیکه کردند. در این حین پسر و دختر باغبان برای پدرشان ناهار آورده بودند دیدند که پدرشان در حال خرد کردن بیلش هست. گفتن بابا چرا این کار را می‌کنی؟ بابا گفت خبر ندارین؟ آقا موشه.....بابای بیل شکسته یهو بابا

کاسه دست دخترش که برآش دوغ آورده بود از دستش گرفت چند کف دست خاک در دوغ کرد و اون را به سر دختر مالید. نان را هم از دست پسرش گرفت و وسطش را سوراخ کرد و اون را به گردن پسرش انداخت آنها هم با دلی پرغم به سوی خانه رفتند دیدند مادرشان در حال پختن نان است وقتی بچه هاش را دید پرسید بچه ها چرا اینطوری شدین؟ پسر دختر گفتن خبر نداری؟ آقاموشه جوانمرگ، نازی گیسو بریده، خاکروبه آتش گرفته، کلاغه پرریخته، آب گل آلود شده بابای بیل شکسته، دختر گل به سر و پسر نان به گردن شده مادر هم از داغ آقا موشه کاسه آبی که کنار دستش برای امور پخت و پز بود ریخت توی تنور و آتش تنور رو خاموش کرد. در این قصه کوتاه به صورت نمادین و رمزی اصول عزاداری سنتی مردم کرد کلهر بیان شده است که به طور کلیدی به آن اشاره می کنیم

بند اول: گیسو بریدن

مرسوم ترین شیوهی سوگواری این قوم گیسو بریدن زنان است بدین صورت که وقتی خبر فوت جوانی دلاور را به ایل و تبارش می رسانند خواهرها، همسر، دختران و مادر آن شخص گیسوان خود را بافته و می برد و اگر روز بعد مراسم چمری داشته باشند آن را بر روی دهل می اندازند.

بند دوم: جارچی که خبر داغ متوفی را به همه برساند

کلاغ که در اکثر اقوام و ملل نماد پیام رسانی دارد در این قوم هم به اعلام خبر مرگ میت می پردازد ولی آنچه در این قصه مشهود است علاوه بر پیام رسانی کلاغ آن قدر خود را به دار و دیوار کوبید که تمام پرهایش ریخت و این خود بیانگر بریدن از تمام تعلقات و امور عمومی است و تا وقتی که این پرها دوباره دربیایند این کلاغ یکجا نشین و از کسب و کار و معاشرت و تعامل بین مردم کناره می گیرد و چون مدت چهل روز و یا به تعبیری شصت روز طول می کشد تا پره های کلاغ دوباره رشد کند و به او قدرت پرواز بدهد همچنان کلاغ گوشه نشین و عزلت گرا می شود.

بند سوم: رخت شادی را از تن به در آوردن

در قصه فوق درخت که برگ سبز بر تن دارد با شنیدن خبر فوت آقا موشه آنقدر خود را تکان داد تا تمام برگ‌های سبزش ریخت و این به صراحت بیان می‌کند که خانواده عزادار لباس رنگین و شادی را از تن بیرون آورند و به جای آن لباس عزا و سیاه بر تن کنند.

بند چهارم: ترک کار کردن

این عمل که در قصه فوق بیل شکست باغبان نمادی گویا از این فرهنگ است بدین صورت است که نزدیکان میت به قصد ترک دنیا کردن دست از کار و شغل خود می‌کشند و به قول معروف تارک دنیا می‌شوند که طبق رسومات پس از اتمام مراسم عزاداری چند نفر از بزرگان قوم فرد عزادار را به محل کسب خوش می‌برند و رسماً اعلام می‌کنند که از الان باید به شغل و کسب خودت بپردازی.

بند پنجم: گل بر سر گرفتن

شیوه‌ی بسیار کهن و مکروهی که در میان اکثر اقوام به خصوص مردم کرد مرسوم است گل بر سر و شانه گرفتن خانواده عزادار است که با این روش در میان افراد عزادار مشخص و انگشت نما باشند که در این قصه چون دختر کاسه دوغی را برای پدرش آورده بود پدر همان کاسه دوغ را پر از خاک می‌کند و به صورت گل بر سر دختر می‌گیرد.

بند ششم: دوار بر گردن کردن

از دیگر رسوم مردم کرد کلهر دوار (جاجم سیاه) بر گردن کردن است این مراسم هنگام تشییع پیکر جوان یا بزرگ مرد دلاوری که شهرت خاصی دارد تمامی اقوام نزدیک متوفی انجام می‌دهند.

بند هفتم: آب بر تنور کردن

رسم دیگری که مختص مردم این دیار است آب بر اجاق یا تنور کردن است که بیشتر برای فوت شخصی که سرپرست یا نان آور خانه است انجام می‌شود و مفهوم آن این است که اجاقشان کور و خاموش است و دیگر مرد و سرپناه استوار و دلسوزی ندارند.

بند هشتم: خواندن شعر با آهنگ حزین (ب یوش)

از رسمی ترین شیوه‌های سوگواری بیان دلاوری، شجاعت، قدرت و جوانمردی متوفی خوانش شعر غمگین با آهنگ و لحن سوزناک است که در میان کرد کرمانشاه شخصی که دارای مهارت خاصی باشد و (ب یوش) نامیده می‌شود به مراسم دعوت می‌شود که ابتدا هر کسی که وارد مجلس وارد می‌شود نام میتی از ایل و تبارش را می‌برند و سپس بر روی تختی که البسه و ابزارات دلاوری او که تفنگ و شال و فشنگ‌هایش است شروع به شیون و سوزوگداز می‌کنند.

مراسم خواندن شعر با آهنگ حزین مراسم ویژه و سنتی و عینی است که برگرفته از آیین مرثیه‌ای و عزاداری محلی است که می‌توان آن را در قلمرو تعزیه به شمار آورد.

بند نهم: برگزاری مراسم چمری

از بارزترین رسوم سوگواری در بین قوم کرد برگزاری مراسم چمری است که در این داستان بدان اشاره شده است و این مراسم را برای تکریم و تجلیل از فقدان شخصیت انسان‌های مصلح و خداجو، دلاور و شجاع، متهور و مورد احترام اقشار مردم بر پا می‌شود. پیشینه‌ی چمری بسیار کهن است به طوری که می‌توان آن را با اساطیر و آغاز دوره‌ی نوسنگی ارتباط داد در ایران فیثقیه و اسکندریه این مراسم را بعد از برداشت گندم یعنی زمان خشکیدن گندم انجام می‌دادند.

چنین می‌نماید که بعد از مرگ سیاوش آیین سوگواری به سبک و طریق امروزی مرسوم گشت و آغاز این سنت با مراسم شروع شد و از دوره‌ی حکومت صفویان به شکل گسترده‌تر و منسجم‌تری توسعه و تداوم یافت.

نکته بسیار مهمی که در این قصه به چشم می‌خورد اشاره به استان شاره زور از استان‌های مهم عراق است و در این قصه به رمز به ما می‌رساند که ما از دیر باز با عراق داد و ستد و ازدواج و پیوند داشته‌ایم و هنوز هم این ارتباط برجا و استوار است.

بخش چهارم: معرفی کرمانشاه و فرهنگ آن

از دیرباز کرمانشاه را «هندوستان ایران» نامیده‌اند زیرا کمتر استانی است که از لحاظ تنوع فرقه، قوم، قبیله، گویش و مذاهب مختلف مانند کرمانشاه باشد پس بی دلیل لقب «هندوستان ایران» و در جای دیگر «پایتخت ادیان» را بدان انتساب نداده‌اند از جمله ادیبانی که در کرمانشاه هست می‌توان: یهودی، مسیحی، زرتشت، بهایی، کلیمی، وهابی، سنی، شیعه و اهل حق در آن نام برد. وجود همین تنوع‌های زبانی و مذهبی پتانسیل‌هایی بسیار قوی برای جذب گردشگران می‌باشد و باید از این پتانسیل‌ها در جهت افزایش شمار گردشگران و توسعه صنعت گردشگری استان بهره گرفت.

نژاد مردم کرمانشاه کُرد است که از بزرگترین اقوام آریایی است کرمانشاه دارای ۱۴ ایل و طایفه بزرگ چون: ایل کلهر، سنجابی، جاف، ترکاشوند، زنگنه و قلخانی می‌باشد که از غیورترین اقشار مردم امروزی است. مردم این دیار درای گویش‌های مختلفی از قبیل: کردی کلهری، سورانی، لکی، لری، جافی و هورامی و... می‌باشند. بازتاب این گویش‌ها در لالایی‌ها، قصه‌ها اشعار ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌ها نمود وافر دارد. «دین، آرمان مشترک، ریشه‌ی تاریخی، نژاد مشترک، فرهنگ ملی و... مؤلفه‌های هویت بخش هر ایرانی است مجموعه‌ی قوم ایرانی می‌کوشد با مرور بر آنچه برشمرده‌اند زمینه‌ی آشنایی هرچه بیشتر اقوام را به عنوان گلهایی از گلستان به نام ایران فراهم آورد» (یوسفی: ۱۳۹۲: ۳۴) فرهنگ و عادات و سنن این مردم ریشه در اعتقادات و ادوار کهن دارد. لباس این مردم منحصر به فرد است و دارای ویژگی مخصوص به خود می‌باشد و شهرتی جهانی دارد. و در عین ظرافت و زیبایی آمیخته به زیور آلاتی است که تکمیل کننده لباس است. «فرهنگ عامه اصطلاحی است که در سال ۱۸۴۶ از سوی ویلیام تامی (william thamms) عتیقه شناس انگلیسی ابداع شد و به نحوه‌ی زندگی انسانی در طبیعت، رفتارها و همچنین معناهای مشترکی گفته می‌شود که عامه مردم جامعه در زندگی روزمره با آن سرو کار دارند.» (جان استوری: ۱۷: ۱۳۸۶-۲۵) ادبیات عامه چون متعلق به مردم عوام است از این رو می‌توان گفت که با واقعیت‌های زندگی عادی مردم پیوند دارد. در واقع بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوه کار و تولیدات آنها و نشان‌دهنده رفتار و منش و اندیشه و احساس و مذهب و اخلاق و اعتقادات یک جامعه است. که هنوز به صورت کامل صورت مکتوبی نیافته و ثبت و ضبط نشده‌باشد. دست مایه این آثار ادب شفاهی و مردمی است و هنوز هم زبان به زبان در حال تداوم می‌باشد. ساخت و محتوای این ادبیات

در حقیقت به دو اصل واقع گرایی و خیال پردازی صورت گرفته است. متأسفانه در ادبیات شفاهی به علت انتقال و نحوه بیان هر شخص دخل و تصرفاتی در محتوا و ساختار آن می شود و همیشه ادبیات عامه دستخوش این تغییرات بوده است و هست. «هرچند ایران در زمینه فرهنگی عامه نسبت به دیگر کشورها غنای چشم گیری دارد ولی فقر فرهنگی، گرسنگی، کوچ دادن ایلات و عشایر، سهولت جابجایی و حمل و نقل، هجوم فرهنگ بیگانه به سرعت تغییراتی را در جامعه اعمال می کند و بسیاری از آداب و رسوم روستاها و ایلات دوردست را به فراموشی سپرده می شود و اگر نسبت به جمع آوری آنها اقدامی نشود دیری نمی باید که بسیاری از این گنجینه های ملی را از دست خواهیم داد.» (هدایت، ۱۳۸۴)

فولکلوریک (ادبیات عامه) در جوامعی وجود دارد که افراد آن جامعه دارای دو نوع پرورش باشند. یکی پرورش عوام (مردم کوچه بازار) و پرورش خواص (نخبگان). زیرا در جامعه ای که تمام افراد آن را افراد تحصیل کرده و فرهیخته تشکیل داده باشند فولکلوری وجود ندارد و یا برعکس در مورد جوامع بدوی و رشد نیافته که حتی خواندن و نوشتن هم نمی دانند به کار بردن کلمه ای فولکلور معنا نمی دهد. اما به عقیده بسیاری از فولکلورشناسان چنین جوامعی هرگز وجود خارجی ندارند (هرچند که بعضی قبایل وحشی استرالیا را نمونه ای از این گونه اجتماع می دانند) در اصل ادبیات عامه رفتار جمعی و گروهی بین عامه مردم رایج است. بنابراین عمل و رفتار فرد یا یک خانواده را نمی توان فولکلور نامید رفتارهای فولکلوریک اندیشه ای خاص که بر خلاف میل توده باشد پیروی نمی کند هرچند آن تفکر بر جامعه حکومت داشته باشد. «فولکلور، دانش آشنایی با پرورش غیر رسمی اکثریت است در مقابل پرورش نهادهای رسمی آموزشی و تربیتی، در میان یک ملت متمدن.» (هدایت، ۱۳۸۴) آداب و رسوم و رفتارهای فولکلور در هر منطقه برای مردم همان منطقه «سنت» و برای مردمان سایر نقاط به عنوان فولکلور خاص آن منطقه شناخته می شود. به عبارت کلی تر فولکلور میراث قومی و معنوی و غیرمادی یک ملت است و تنها مختص به آیین گذشتگان و باستانیان نیست بلکه در جامعه امروز هم زنده، پویا، جذاب و باصلابت بر پای ایستاده است. می توان گفت اساس جهان بینی در این قصه ها اغلب بر مطلق گرایی استوار است یعنی شخصیت قصه ها همیشه یا خوب بوده اند یا بد و شخصیت متوسط که گاهی خوب و یا گاهی بد باشد در این قصه ها نایاب است و تعارض و تضاد بین خوب و بد و یا آدم خوب و آدم بد حوادث قصه ها را تشکیل می دهد.

«گردآوری و بازنویسی ادبیات عامیانه در ایران بیش از یک سده پس از اروپا آغاز شد. این کار را کسانی در فرهنگ ایران باب کردند که با دنیای غرب در تماس بودند.» (آذر، امیراسماعیل، ۱۳۸۷: ۵۸) بدون شک اگر شناخت درستی از میراث قدما نداشته باشیم قادر به ترسیم زندگی و افکار و آرمان آنان نخواهیم بود. «علت اصلی توجه آدمی به این محصول ذوق و ذهن خویش، ظاهراً این بوده است که بسیار زود به تأثیر شگرف آن در شنونده و شیفتگی مردم به شنیدن افسانه ها پی برد و دانست که می توان از آن به منزله ی سلاحی قاطع برای پیش بردن مقاصد خویش استفاده کرد.» (محبوب، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

اگر این افسانه ها و تراوش های ذهن بشر نبود مسلماً ما از آداب و سنن و اعتقادات دینی و حتی رفتار و نوع گفتار پیشینیان دچار ابهام و تردید می شدیم. جا دارد که دست اندرکاران گردآوری فرهنگ عامه با تحولاتی که در جامعه اخیر رخ داده و جامعه را دچار رکود مطالعه کرده است، نگران سازد که در محدود ایام و در سریع ترین صورت ممکن این مطالب را گردآوری گردانند تا اذهان آن را به دست فراموشی نسپرد. مهدی علمداری انگیزه اش از تألیف کتابش در مورد ادبیات فرهنگ عامیانه دماوند را این گونه بیان می کند. «بیم نابودی و از میان رفتن عادات و سنت های گذشته است و اینکه در حال حاضر اغلب مطالب گردآوری شده به فراموشی گراییده اند و اطلاعات نسل جوان و میانسال نیز فقط به اندکی از باز مانده ی این فرهنگ منحصر می شود، به ویژه آنکه آداب و رسوم همه ی شهرهای ایران تغییر یافته و دستخوش دگرگونی شده است.» (علمداری، ۱۳۷۹: ۷)

به قول سعید شادابی: فولکلور این دانش شعبه ای است از جامعه شناسی و بررسی اعتقادات و اندیشه ها و گفتار و کردار مردم عوام، بسیاری از مشکلات تاریخی و فلسفی و بخصوص اجتماعی را حل می کند و تاریکی ها را روشن می سازد زیرا آداب و رسوم، عقاید و عادات اقوام و ملل نماینده شیوهدی تفکر و خصوصیات ذهنی ایشان است و روحیه ی خاص هر ملت را از مطالعه در این امور می توان در یافت «(شادابی، سعید. ۱۳۷۷ ص ۱۰-۱۱) بنابراین مطالعه فرهنگ عامه، طرز تفکر و حدود اندیشه های آنان را برای جامعه شناسان روشن می گرداند.

نتیجه گیری

ادبیات مکتوب بر پایه‌ی ادبیات شفاهی تشکیل یافته است، فرهنگ عامه یک ملت در حقیقت عامل ایجاد همبستگی قومی و نژادی آن جامعه است همچنین عامل نزدیک نمودن حافظه تاریخی سیاسی و اجتماعی آن ملت است و خاستگاه و شالوده الهامات بشری در زمینه ادبیات و هنر محسوب می‌شود و نوعی رابط فرهنگی بین نسل‌های مختلف به شمار می‌آید. در لا به لای اکثر قصه‌های عامیانه می‌توان بینش‌ها و تلقی‌های اجتماعی و مذهبی و باورهای موهوم اقوام پیش از آنها را تشخیص داد. پس این قصه‌ها ابزار مناسبی برای مطالعه در جوامع پیشین است همین ادبیات موجب استحکام رفتارهای اجتماعی می‌شود و اصول اخلاقی و مذهبی را استحکام می‌بخشد. ادبیات عامه تلاش انسانهای خلاق است در گریز از محدودیت‌ها و ناکامی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و گاهی اوقات راهی است برای بیان آرزوها و امیال درونی و قلبی در قالب افسانه، قصه، شعر و ترانه.

در ایران سوگواری در هر منطقه‌ای شیوه ویژه‌ای دارد در کرمانشاه نیز آداب و عادات خاصی بر حسب داستان‌های فابل گونه یافت شده است در کرمانشاه علاوه بر رسوماتی که در سایر اقوام وجود دارد چند مشخصه برجسته دیگری چون: «گل بر سرگرفتن»، «حمام نرفتن و حنا نبستن زن‌ها»، «ریش نتراشیدن مردان»، «دوار بر گردن کردن»، «آب بر تنور ریختن»، «برگزاری مراسم چمری» یافت شده است.

باید دانست فقدان فرهنگ عامه موجب می‌گردد که ناهنجاری‌های مدرنیسم دامن معنویات را آلوده کند و به عنوان یک جنگ سرد آثار مخربی از خود به جای بگذارد.

منابع و مأخذ:

- آذر، امیر اسماعیل. ادبیات ایران در ادبیات جهان، تهران: سخن، ۱۳۸۷
- هدایت، صادق. (۱۳۸۴). جمع آوری فرهنگ عامه. نقل از مجله سخن. منبع: وب سایت شورای گسترش زبان و ادب فارسی. ۳/۲ / ۱۳۸۴. ص ۲۸.
- سالاری مهشید، (۱۳۹۷). مردم شناسی ایران، آداب و رسوم، فرهنگ و هنر. نشر: آفرینش
- یوسفی جعفر، (۱۳۹۲). قوم کرد. نشر شرکت چاپ بین الملل.
- استوری جان، (۱۳۸۶) مطالعات فرهنگی در باره‌ی فرهنگ عامه ترجمه حسین پاینده نشر آگه.
- میرپناه سیدعلی، (۱۳۹۷). فرهنگ مردم: فولکلور ایران. نشر پارسا
- اندی بنت، (۱۳۸۶) فرهنگ و زندگی روزمره. (لیلا جو افشانی، حسین چاوشانی) نشر: اختران
- محبوب، محمدجعفر. ادبیات عامیانه ی ایران. (مجموعه مقالات در باره ی افسانه ها و آداب و رسوم مردم ایران) به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: نشر چشمه، ج ۲، ۱۳۸۲،
- شادابی، سعید: زیر نظر: سید ابوالقاسم انجوی شیرازی. فرهنگ عامه مردم لرستان. انتشارات افلاک ۱۳۸۸ - علمدار، مهدی. فرهنگ عامیانه دماوند. چاپ طلوع آزادی. ۱۳۷۹

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

دانشگاه فرهنگیان

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قیادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))











